

انتقام سیاه زنانه

26 تیر 1402

وقتی دختران زن سالخورده او و مرد غریبه را در خلوت خانه دیدند، وی ادعای عجیبی را مطرح کرد. این زن مدعی شد برای این که آبروی همسرش را ببرد، مرد غریبه را به خانه‌اش دعوت کرده است.

رسیدگی به این پرونده از یک سال قبل با شکایت مرد ۶۵ ساله‌ای به نام مجتبی آغاز شد. وی که به پلیس آگاهی پاکدشت رفته بود از همسر ۶۰ ساله‌اش به نام گلی و یک مرد غریبه به نام اکبر شکایت کرد.

این مرد در تشریح ماجرا گفت: ۴۰ سال است که با همسرم ازدواج کرده‌ام و ۳ دختر و ۳ داماد دارم. اما سال‌هاست من و همسرم با هم اختلاف داریم. چند سال قبل همسرم مهریه‌اش را خواست. او می‌گفت باید خانه‌ام را به‌عنوان مهریه به نام او سند بزنم. اما من قبول نکردم و همین موضوع باعث شدیدتر شدن اختلاف میان ما شد. مدتی بود به رفتارهای همسرم مشکوک شده بودم تا اینکه او را تحت نظر قرار دادم و متوجه شدم با مرد بنگاهی به نام اکبر در رفت و آمد است. اکبر ۴۷ سال دارد و بنگاهش سر خیابان ما است. من که از رابطه پنهانی همسرم و اکبر شوکه شده بودم، ماجرا را به دخترانم گفتم و از آنها کمک خواستم. آخرین بار من و دخترهایم همسرم را زیر نظر گرفتیم و متوجه شدیم وقتی گلی در خانه تنها است اکبر به آنجا رفته است. من همان موقع به همراه ۳ دختر و ۳ دامادم به آنجا رفتیم و آنها را در شرایط بدی دیدیم. حالا آمده‌ام تا از آنها شکایت کنم. اکبر بعد از روبه رو شدن با ما از خانه بیرون رفت و گریخت و نمی‌دانم کجاست؟

با این شکایت، زن ۶۰ ساله بازداشت شد و گفت: قبول دارم مدتی بود تلفنی با مرد بنگاهی رابطه داشتم اما ما فقط تلفنی با هم صحبت می‌کردیم. مأموران به ردیابی مرد بنگاهی پرداختند و وی بازداشت شد اما ادعا کرد به درخواست گلی به خانه وی رفته بود. بدین ترتیب برای گلی و مرد بنگاهی کیفرخواست صادر و پرونده‌شان به شعبه چهارم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و آنها از خود دفاع کردند.



در دادگاه

در این جلسه همسر گلی درخواست اشد مجازات را مطرح کرد. سه دختر وی نیز گفتند ما مادرمان را در شرایط بدی دیدیم به همین خاطر از او و مرد بنگاهی شاکی هستیم و برایشان اشد مجازات می‌خواهیم.

وقتی زن سالخورده روبه روی قضات ایستاد، اظهارات عجیبی را مطرح کرد. وی گفت: من و همسرم سال‌هاست با هم اختلاف داریم. آخرین بار او قول داد مهریه‌ام را بپردازد. من از او خواستم تا خانه را به نامم سند بزند اما او قبول نکرد و هر بار بهانه‌ای آورد. در آخرین دعوا به او گفتم آبرویش را می‌برم. حتی اگر این ماجرا به قیمت از دست رفتن آبروی خودم تمام شود. به همین خاطر چند بار تلفنی با مرد

بنگاهی صحبت کردم و آخرین بار از او خواستم تا در غیاب شوهرم به خانه ما بیاید. من می‌خواستم آبروی شوهرم را ببرم تا مجبور شود خانه را به نامم کند. مرد بنگاهی به خانه‌مان آمده بود که شوهرم و دخترهایم سر رسیدند. من قبول دارم او را به خانه‌ام دعوت کردم اما من این کار را کردم تا آبروی شوهرم را ببرم.

وقتی اکبر روبه روی قضات ایستاد، گفت: من به درخواست گلی به خانه او رفته بودم. قسم می‌خورم حتی به او دست هم نزدم. من به آنجا رفته بودم تا به او در گرفتن حقش دفاع کنم. من خودم زن و بچه دارم و با گلی که سال‌ها از من بزرگتر است، کاری ندارم.

سپس محمد شمس وکیل گلی به دفاع پرداخت و گفت: این زن قبلاً نیز شوهرش را تهدید به آبروریزی کرده بود و به نظر می‌رسد با همین هدف نیز مرد غریبه را به خانه‌اش دعوت کرده است. شاهدان نیز در تحقیقات اظهارات متناقضی را مطرح کرده و به صراحت نگفته‌اند 2 متهم را در چه وضعیتی دیده‌اند. از این‌رو تقاضا دارم متهمان از اتهام رابطه سیاه تبرئه شوند. با پایان دفاعیات این وکیل، قضات وارد شور شدند تا رأی صادر کنند.